

زیست نامه شهید آیت الله طالقانی

بسم الله الرحمن الرحيم

زیست نامه شهید آیت الله طالقانی

سید محمود طالقانی



اطلاعات فردی

نام کامل:	سید محمود علایی طالقانی
تاریخ تولد:	(۱۲۸۹ش اسفند) ۱۳۲۶ق
زادگاه:	طالقان
محل زندگی:	تهران • نجف • قم
تاریخ وفات:	۱۳۵۸ش شهریور ۱۹

زیست نامه شهید آیت الله طالقانی

محل دفن: بهشت زهرا

شهر وفات: تهران

اطلاعات علمی

استادان: سید • سید محمد حجت • ادیب تهرانی
آقا • محمدحسین غروی • ابوالحسن اصفهانی
شیخ عبدالکریم حائری • ضیاء عراقی

اجازه روایت از: سید شهاب الدین مرعشی نجفی

اجازه اجتهاد از: شیخ عبدالکریم • سید ابوالحسن اصفهانی
حائری

تألیفات: تنبیه الامه اسلام و مالکیت • شرح

سایر: مفسر قرآن و نهج البلاغه

فعالیت های اجتماعی-سیاسی

سیاسی: اولین امام جمعه تهران • نماینده مردم تهران
در مجلس خبرگان قانون اساسی • رییس
شورای انقلاب • همراهی با نهضت ملی آزادی
پس پیش از انقلاب • از مدافعان فدائیان اسلام
از کودتای ۲۸ مرداد • حمایت از نهضت ملی

• ایران

تأسیس کانون اسلام • تلاش برای وحدت
حوزه و دانشگاه • سخنرانی در انجمن‌های و
کنفرانس‌های مختلف

در زمستان سال ۱۳۲۹ ق. صدای نوزادی در فضای خانه ساده آیت الله سید ابوالحسن طالقانی پیچید که نامش را ((محمود)) گذاشتند و پدرش پشت جلد قرآن نوشت:
((سید محمود روز شنبه، چهارم ربیع الاول ۱۳۲۹ ق. به دنیا آمد))
تو گویی همین نوشتار کوتاه بود که پیوندی ناگسستنی بین او و قرآن ایجاد کرد.
سید محمود دوران کودکی را تا ده سالگی در روستای ((گلیرد)) طالقان سپری نمود و همانجا خواندن، نوشتن و مقدمات علوم اسلامی را فراگرفت و در مکتب پدر - که عالمی سیاستمدار بود - مبارزه با استبداد در ذهن او نقش بست.
او سپس همراه خانواده به تهران رفت که همزمان بود با دوران دیکتاتوری رضاخان و مبارزه روحانیون علیه وی و این نقشی بسزا در شکل گیری فکر سیاسی اش داشت و از همان هنگام او را وارد میدان مبارزه با ستم کرد.

ورود به حوزه علمیه قم

سید محمد در نوزده سالگی برای فراگیری بیشتر و دقیقتر علوم اسلامی به قم رفت و از درس استادانی بزرگ چون آیه الله حجت و آیه الله خوانساری بهره فراوان برد.
دانش پژوه جوان، مدتی برای بهره گیری از درس علمای برجسته نجف، راهی آن مرکز بزرگ علمی شد؛ اما دوباره به قم و مدرسه فیضیه برگشت.

پرداختن به دانش هیچ گاه او را از توجه به مسائل سیاسی - اجتماعی دور نکرد. آری فضای پر از معنویت فیضیه به او درسها آموخت و از وی، اندیشمندی مبارزه و خستگی ناپذیر ساخت.

آیه الله طالقانی پس از سالها تحصیل در قم، از آیه الله جایی یزدی، بنیانگذار حوزه علمیه قم، اجازه اجتهاد گرفت و با عزمی راسخ و گامی استوار، راهی تهران شد و در مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) به آموزش علوم اسلامی پرداخت.

او که مدتها پیش درد جامعه و مردم را حس کرده بود و تنها راه نجات را در بازگشت به اسلام و قرآن می دانست، با برقراری جلسات تفسیر قرآن در راه گام نهاد.

مجاهدی نستوه

روزی در چهار راه ((گلوبندک)) تهران، بین زنی مسلمان و مأموری مزدور درگیری بوجود آمد که مأمور فرومایه سعی داشت چادر را از سر زن مسلمان بگیرد؛ ولی او مقاومت می کرد.

آیه الله طالقانی که از آنجا در حال عبور بود با صحنه کشمکش آنان روبرو گشت؛ از این روز با مأمور گلاویز شد و آن زن را از چنگش رها ساخت.

به دنبال این درگیری، بیگانه پرستان، آقای طالقانی را به جرم اهانت به مقامات بلند پایه کشوری بازداشت و به شش ماه زندان محکوم کردند.

با سقوط رضا خان و بر سر کار آمدن شاه جوان و بی تجربه، فضای فعالیتهای فرهنگی و سیاسی تا اندازه ای باز شد؛ در این هنگام آیه الله طالقانی بری آشنایی هر چه بیشتر نوجوانان و جوانان با معارف اسلامی، به تشکیل ((کانون اسلام)) دست زد و برای فراگیر کردن فعالیت زیر بنایی اش به انتشار مجله ((دانش آموز)) از طرف کانون، همت گماشت.

به دنبال پایه گذاری نهضت ملی نفت به رهبری آیه الله کاشانی و حرکت یکپارچه مردم در پشت سر او، برای ستاندن حق خویش از انگلیس غارتگر، آیه الله طالقانی همگام با قهرمان مبارزه، علیه استعمار به قیام پیوست و

یکی از یاران نزدیک آقای کاشانی در این راه شد و با زبان گویا و برنده خود به افشاگری و روشنگری پرداخت.

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آنگاه که رژیم کودتایی جای پایش را محکم کرد و به انتقام جویی از فدائیان اسلام پرداخت، در چنین زمان حساسی، آیه الله طالقانی آنها را در خانه اش پناه داد: ولی با مشکوک شدن مأموران به منزل وی، شهید نواب و یارانش، آنجا را ترک کردند. از این رو وقتی ساواک به آن خانه هجوم برد، کسی از فدائیان را در آن نیافت. با این حال آقای طالقانی را دستگیر و بازداشت کرد. اما چون مدرکی علیه وی بدست نیاورد، پس از مدتی آزادش نمود.

او در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ ش. نیز وقتی که شهید نواب، مورد تعقیب قرار گرفت، وی را در روستاهای اطراف طالقان پناه داد.

در محیط خفقان ستم شاهی، مسجد هدایت، سنگر مبارزه آیه الله طالقانی علیه رژیم پلیسی پهلوی بود و حدود سی سال سخنان آتشین مجاهد نستوه، به اجتماع این مسجد شور و گرمی می بخشید و تشنگان حقیقت را سیراب می کرد.

پس از روی کار آمدن دوباره محمد رضا پهلوی با کودتای ۲۸ مرداد و به کمک سازمان جاسوسی آمریکا، عده ای از مبارزان از جمله آیه الله طالقانی با انگیزه مذهبی و ملی، برای ادامه دادن مبارزه، با نهضت مقاومت ملی را بنیان نهادند.

نهضت، فعالیتهای پی گیری داشت تا این که در سال ۱۳۳۶ ش. ساواک با یورش سنگین، عده ای زیادی از اعضایش را دستگیر و زندانی کرد و به این ترتیب آقای طالقانی نیز دستگیر و روانه زندان گردید و بیش از یک سال در زندان بسر برد. او پس از آزادی به منظور ایجاد یک کانون مبارزه با هدف مذهبی و برای مخالفت آشکار با شاه و نزدیک کردن دو قشر دانشگاهی و حوزوی به یکدیگر، با همکاری عده ای ((نهضت آزادی)) را تاسیس کرد.

در تابستان ۱۳۳۹ ش. رژیم کودتای برای قانونی جلوه دادن حکومت و سلطه خویش در صدد برگزاری انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی به صورت فرمایشی بود که مجاهد نستوه در سنگر مسجد هدایت

زیست نامه شهید آیت الله طالقانی

برای رو کردن دست بازیگران صحنه سیاسی کشور به سخنرانی پرداخت.

رژیم برای جلوگیری از رسوایی بیشتر درب مسجد هدایت را بست؛ از این رو محل سخنرانیها از مسجد به منزلی منتقل شده و دو روز آخر ماه صفر، آیه الله طالقانی و شهید مطهری به بررسی مسائل سیاسی - اجتماعی و افشاگری علیه حکومت پرداختند.

سی ام تیرماه ۱۳۳۱ یادآور حماسه کم نظیر ملت ایران علیه دولت چهار روزه قوام بود که او را مجبور به استعفا کرد. به همین دلیل، پس از کودتای ۲۸ مرداد، رژیم برای محو آن روز از یادها تلاش بسیار کرد.

نه سال از آن حرکت حماسی آیه الله کاشانی و ملت گذشت بود و آقای طالقانی در نظر داشت، آن شجاعت و فداکاری را در یادها زنده گرداند و سالگردی برای شهدای سی ام تیر برپا کند.

حکومت پهلوی، نخست با خارجی خواندن برگزار کنندگان آن، قصد جلوگیری از اجتماع مردم را داشت و چون از این ترفند سودی نبرد، در شب برگزاری مراسم در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام، نیروهای امنیتی به شرکت کنندگان حمله برده، عده ای را دستگیر کردند و آیه الله طالقانی در اعتراض به این حمله، همراه دستگیرشدگان به شهربانی رفت و در آنجا نیز بر خلاف نظر رئیس شهربانی، با دیگران وارد زندان شد که پس از دو روز، پلیس، با حيله ای او را از زندان خارج کرد.

خونسردی آیت الله طالقانی

یک روز نصیری (رئیس ساواک شاه) برای بازدید به زندان آمد. آیه الله سید محمود طالقانی قرآن می خواند و عینکش نیز تا نوک بینی پایین آمده بود. رئیس زندان که پشت سر نصیری می آمد، با دستپاچگی به طرف طالقانی اشاره کرد و گفت: «از جا بلند شو! مگر نمی بینی رئیس کل ساواک می آیند؟». آیه الله طالقانی خیلی خون سرد و بدون این که قرآن را کنار بگذارد یا عینک را روی چشمش مرتب کند، دستش را بلند کرد و به صورت تحقیرآمیزی به طرف رئیس زندان اشاره کرد و گفت: «این مرد، ارباب توست. چرا به من می گویی بلند شو؟!».

همگام با امام

در سال ۱۳۴۱ ش. به دنبال حرکت امام خمینی (ره) علیه انقلاب سفید شاه، آیه الله طالقانی (ره) نیز برای برداشتن نقاب از چهره نوکران استعمار به افشاگری دست زد.

رژیم سر سپرده که مصمم به اجرای برنامه دیکته شده از سوی آمریکا بود، آقای طالقانی را دستگیر و روانه زندان کرد.

چند ماهی از دستگیری مجاهد نستوه گذشت، اما رژیم پهلوی در پی دستاویزی بود تا او را مدت طولانی تری در زندان نگه دارد. از این رو پیش از فرارسیدن ماه محرم ۱۳۴۲ ش. وی را آزاد کرد تا با توطئه ای جدید، دوباره او را راهی زندان کند؛ نقشه این بود که مقداری مواد منفجره را در خانه اش پنهان نماید، آنگاه او را به جرم تهیه و نگه داری مواد منفجره، به عنوان یک شورشی تروریست دستگیر نموده، به پای میز محاکمه بکشاند.

اگر آیه الله طالقانی پی برده بود که این عمل رژیم باید در راستای توطئه ای باشد، اما با این حال تصمیم گرفت در ماه محرم، یزیدیان زمان را رسوا کند.

او در مسجد هدایت به بیان واقعیت‌های جاری کشور و آنچه در زندان می گذشت، پرداخت و شاه را با انقلاب سفیدش مورد تشدیدترین حملات قرار داد و با استفاده از سخنان سرور شهیدان کربلا، مردم را به قیام علیه حکومت پهلوی فرا خواند.

سخنرانی او یازده شب ادامه یافت و چون آگاه شد که ساواک، فراد شب تصمیمی به دستگیری اش دارد، به لواسانات رفت.

به دنبال دستگیری امام در شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (شب دوازدهم محرم) و قتل عام مردم در روز پانزده خرداد، اعلامیه ای با عنوان ((دیکتاتور خون می ریزد)) در سرتاسر ایران منتشر شد که شاه را بیش از پیش رسوا کرد.

ساواک، آیه الله طالقانی را سبب انتشار اعلامیه دانست و در تعقیب او به لواسانات هجوم برد و مجاهد نستوه برای در امان ماندن مردم از اعمال جنون آمیز ساواک، از اختفا بیرون آمد و خودش را تسلیم کرد و به این ترتیب دوباره در ۲۳ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر شد و بعد از چهار ماه بازداشت. در ۳۰ / ۷ / ۱۳۴۲ در بی دادگاه

زیست نامه شهید آیت الله طالقانی

نظامی محاکمه گردید و پس از بارها محاکمه در ۱۳۴۲/۱۰/۱۶ به ده سال زندان محکوم شد. او در زندان با وجود شکنجه های بی رحمانه، به برقراری جلسات تفسیر قرآن، نهج البلاغه و تاریخ اسلام برای زندانیان مسلمان همت گماشت و برای ایجاد وحدت بین مبارزین مسلمان نخستین نماز جماعت را در زندان برپا نمود و استقامت و صف ناپذیرش در برابر شکنجه های خون آشامان ساواک، مایه قوت قلب دیگر زندانیان بود.

سرانجام رژیم پلیس پهلوی بر اثر فشار افکار عمومی و واکنش های بین المللی به ناچار او را در سال ۱۳۴۶ ش. آزاد کرد.

او در سال ۱۳۵۰ نیز دستگیر و به مدت سه سال در شهر زابل تبعید شد و سپس به بافت اعزام و پس از مدتی آزاد شد.

در آستانه پیروزی

نفس های رژیم به شمارش افتاده بود و خزان عمرش فرارسید؛ دستگاه حاکم از هیچ جنایتی شرم نداشت، از این رو آیه الله طالقانی را در پاییز ۱۳۵۴ برای انتقامی سخت، بار دیگر دستگیر کرد.

آقای طالقانی دو سال بدون محاکمه، سخت ترین شکنجه روحی و جسمی را در زندان تحمل نمود و در سال ۱۳۵۶ ش. رژیم برای جلوگیری از فشارهای بین المللی، به جهت مشخص نبودن جرم و مدت محکومیت او، وی را با وجود کهولت سن و ضعف جسمانی به ده سال زندان محکوم کرد.

او سه سال را با بدترین شرایط در زندان گذارند. سلولش یک سلول کوچک و نمور بود که حتی پنجره کوچک آن با رنگ سیاه آغشته بودند و در طول شبانه روز، فقط یک ساعت برای انجام نظافت وی را به حیاط کوچک پشت زندان می بردند.

به دنبال عقب نشینی رژیم در مقابل موج اعتراضات مردم مسلمان، در پاییز ۱۳۵۷ ه.ش. بسیاری از زندانیان سیاسی آزاد گردیدند که از آن جمله آیه الله طالقانی بود.

او در هشتم آبان ۱۳۵۷ آزاد شد و در جمع انقلابیون پرشور مسلمان قرار گرفت و در نخستین پیامش مردم را به وحدت و پیروی از رهبری یگانه امام فراخواند.

محرم سال ۱۳۵۷ ش. (آذر ماه) برای انقلاب لحظه حساس و سرنوشت سازی بود. آیه الله طالقانی همگام با امام، برای شدت بخشیدن به قیام مردم، در اول محرم با بهره گیری از سخن آغازین امام حسین علیه السلام در نهضتش، پیامی حماسی برای ملت ایران فرستاد که منجر به راهپیماییها و اعتصابات گسترده ای گردید. او برای وارد کردن ضربات نهایی به پیکر رو به زوال حکومت پهلوی، تصمیم گرفت همراه امام، پیامی دیگر به مناسبت روز تاسوعا (نهم محرم) صادر کند و از این رو، بدون توجه به اختطارهای پی در پی مقامات دولتی و حکومت نظامی مبنی بر منصرف شدن از فرستادن پیامهای انقلابی، در روز چهارم محرم پیامی دیگر برای ملت ایران فرستاد و اعلام کرد که خود نیز در راهپیمایی روز تاسوعا شرکت خواهد نمود. این اعلامیه همراه پیام امام و تاءکید دیگر رهبران روحانیون، غوغایی بپا کرد به طوری که در تهران حدود چهار میلیون نفر به خیابانها ریختند و حمایت خود را از رهبری امام خمینی (ره) و برقراری حکومت اسلامی اعلان نمودند.

تا آخرین نفس

پس از ورود امام به ایران و به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی، آیه الله طالقانی پست سر ایشان قرار گرفت و بازویی توانا برای آن رهبر الهی گردید و اطاعت از حضرتش را بر همه واجب می دانست، بالاتر از اینها پیر مجاهد، امام را نعمتی عظیم از جانب خداوند برای ملت ایران می شمرد و قدردانی نکردن از آن را سبب دچار شدن به عذاب الهی می دانست و در مقابل بدخواهان و گروههای تفرقه افکن - که تلاش می کردند تا وانمود سازند که او نظر مثبتی درباره رهبری امام ندارد - قاطعانه ایستاد و می فرمود: این مخلصی که نسبت به رهبری ایشان بارها و بارها نظر داده ام و رهبری قاطع ایشان را برای خودم پذیرفته ام و همیشه سعی کردم که از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن با اسلام، مشی من خارج نباشد.

به دستور امام پیش نویس قانون اساسی جدید فراهم گردید و انتخابات مجلس خبرگان به منظور بررسی نهایی آن برگزار شد و آیه الله طالقانی به عنوان نماینده اول مردم تهران در مجلس خبرگان تعیین گردید. او با وجود تمام مشکلات و بیماری، این مسئولیت سنگین از پذیرفت و در سنگر مجلس به پاسداری از ارزشهای انقلاب و خون شهیدان پرداخت. با برپایی حکومت جمهوری اسلامی، او به واسطه یکی از شخصیت‌های، برگزاری نماز جمعه در سرتاسر ایران را به امام پیشنهاد کرد که با موافقت وی، این مراسم وحدت بخش در سرتاسر میهن اسلامی برگزار گردید. به این ترتیب نخستین نماز جمعه تهران به امامت آیه الله طالقانی در پنجم مرداد ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران برپا شد و بیش از یک میلیون نفر در آن شرکت کردند. او هفت نماز جمعه را اقامه کرد که آخرین آن در بهشت زهرا، در شانزدهم شهریور سال ۱۳۵۸ بود.

آثار آیت الله طالقانی

اگر چه زندگانی آیه الله طالقانی سراسر مبارزه بود و بارها زندانی و تبعید گردید، امام با این حال آثار ارزشمندی از خود بجا گذاشت:

۱. ((پرتوی از قرآن)) که شامل تفسیر سوره های فاتحه، بقره، آل عمران، ۲۲ آیه ابتدای سوره نساء و تمامی سوره های جزء سی ام قرآن است و در شش جلد منتشر گردید.
۲. مقدمه، توضیح و تعلیق بر کتاب ((تنبيه الامم و تنزيه المله)) آیه الله نائینی
۳. اسلام و مالکیت.
۴. ترجمه جلد اول کتاب ((امام علی بن ابی طالب))، نوشته عبدالفتاح عبدالمقصود.
۵. ((به سوی خدا می رویم)) که سفر نامه حج است.
۶. پرتوی از نهج البلاغه.
۷. آینده بشریت از نظر مکتب ما.

۸. آزادی و استبداد.

۹. آیه حجاب.

۱۰. مرجعیت و فتوا.

۱۱. درسی از قرآن.

۱۲. درس وحدت.

وفات آیت الله طالقانی

او پس از سالها مبارزه، در ساعت ۱:۴۵ بامداد روز دوشنبه ۱۳۵۸/۶/۱۹ به سوی حق شتافت و ملتی در غم فراقش غرق ماتم شدند.
انبوه جمعیت پیکرش را برای خاک سپاری به بهشت زهرا بردند و صبح سه شنبه در میان شیون و ناله مردم، آن پیکر عزیز در خاک پنهان گشت و دولت یک روز تعطیل و سه روز عزاداری عمومی اعلام کرد.

پیام امام خمینی ره به مناسبت رحلت آیت الله طالقانی (ابوذر انقلاب)

امام خمینی (ره) غم خود را از آن حادثه جانکاه در پیامش به ملت داغدار ایران چنین بیان کرد:
(... آقای طالقانی یک عمر در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراند، او شخصیتی بود که از جسمی به جسمی و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و هیچ گاه در بهار بزرگ خود سستی و سردی نداشت من انتظار نداشتم که بمانم و دوستان عزیز و پراج خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم. او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود و زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر برنده بود و کوبنده. مرگ او زودرس بود و عمر او پربرکت.))

نماز جمعه در کلام آیت الله طالقانی

آیت الله طالقانی درباره اهمیت نماز جمعه می گوید:

«نماز جمعه مظهر کاملی است از صف توحیدی تمام ملت های مسلمان، و در عین حال آگاهی، تنبه، هوشیاری، افشا کردنِ دسایسِ دشمن و مطلع کردن همه مسلمانان به وظایف و مسئولیت هایی که دست کم در مدت یک هفته در پیش دارند.

نماز جمعه صف عبادت، صف حق پرستی، صف روابط قلوب و وجدان های بیدارِ خداپرستان، در عین حال صف نظام، صف جنگ، صف فرماندهی و فرمان بری است. از این جهت برای امام جمعه شرایط خاصی قایلند که هم بتواند فرماندهی کند، هم بتواند آگاهی بدهد و از حوادثی که در پیرامون کشورهای اسلامی و جامعه مسلمان ها، [و] دسیسه های زیر پرده است، مسلمانان را آگاه کند».

شعر از خرمشاهی در وصف آیت الله طالقانی

آنچه طاغوت زمان را به تزلزل انداخت

آیه الکرسی نستوهی ایمانش بود

آنچه در خانه اهریمن، آتش افکند

اخگری بود که در پرتو قرآنش بود

شه سوارانِ زمان، پیش رُخش مات شدند

گوی تاریخ، قفا خورده چو گانش بود

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه